

فصل اول درس سوم اصول انتخاب کسب و کار نام طراح: مظفری ناحیه ۲ زاهدان	به نام خدا معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش دفتر آموزش متوسطه نظری دبیرخانه راهبری درس اقتصاد تولید شده در استان سیستان و بلوچستان	محتوای نوشتاری کتاب اقتصاد سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰
---	---	---

### عنوان / موضوع: اصول انتخاب کسب و کار

### اهداف یادگیری:

آشنایی با قوانین انتخاب کسب و کار (۱- شناسایی منابع و کمیابی آنها ۲- محاسبه هزینه فرصت ۳- ترسیم قید بودجه ۴- فراموشی هزینه های هدر رفته ۵- مقایسه ی بین هزینه و منافع) و در نظر گرفتن این قوانین در انتخاب ها و تصمیم گیری های خود

### انتظارات پس از مطالعه:

\* هزینه ها و منافع انتخاب های خود را تشخیص داده و باهم مقایسه کند.  
\* آشنایی با مفاهیم هزینه های فرصت، منابع کمیاب، هزینه های هدر رفته، قید بودجه و بکارگیری آنها در انتخاب های خود

### نکات مهم درس در قالب جمله های کوتاه به زبان ساده و صریح

۱- محاسبه ی هزینه فرصت ۲- شناسایی منابع کمیاب ۳- قید بودجه ۴- هزینه های در رفته

### فرمول های مهم

قیمت × کل محصول = درآمد

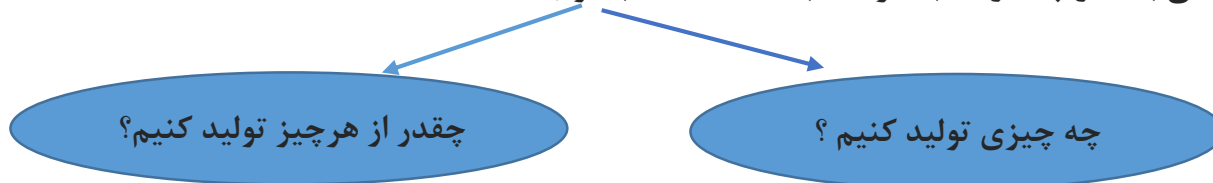
(هزینه فرصت) هزینه پنهان + هزینه های آشکار = مجموع هزینه های تولید

هزینه مستقیم تولید - درآمد = سود حسابداری

(هزینه پنهان + هزینه آشکار) - درآمد = سود ویژه حسابداری

### خلاصه:

هر کسب و کاری چه شخصی باشد و چه در قالب شرکت، با مسئله انتخاب مواجه است.



مسئله انتخاب آن قدر مهم است که برخی اقتصاددانان **علم اقتصاد را علم انتخاب** میدانند.

## قانون اول : منابع خود را شناسایی کنید و بدانید که آنها کمیاب اند

یک کارآفرین و یا تولید کننده باید ابتدا از منابع یا عوامل تولید خود آگاه باشد. اقتصاددانان منابع تولید را به طور کلی در سه دسته طبقه بندی می کنند:

۱ - منابع طبیعی (زمین): زمینی که تولیدکننده گندم آن را زیر کشت می برد (منابع و عواملی که در طبیعت وجود دارد

مثل چوب درختان ، زمین و ...)

۲ - نیروی کار: کشاورزانی که روی زمین کار میکنند، (نیروی کاری که در تولید نقش دارد)

۱- نیروی کار ساده  
نیروی کار نیمه ماهر  
نیروی کار ماهر و متخصص

۳ سرمایه: انسان برای بهره برداری از منابع طبیعی علاوه بر کار به سرمایه نیاز دارد که به سه دسته تقسیم شده:

الف: سرمایه فیزیکی: تجهیزات فیزیکی و ابزار آلات و ماشین آلات

ب: سرمایه انسانی: دانش و مهارت نیروی انسانی در مجموعه تولیدی

ج: سرمایه مالی: پولی که بصورت منابع مالی وارد تولید می شود (پولی که برای راه اندازی کارگاه تولیدی لازم است)

تولید خدمات هم در اقتصاد نیازمند عوامل تولید است.

نیروی کار و سرمایه در یک شرکت تدریس خصوصی چیست؟

منابع طبیعی زمینی است که شرکت در آن بنا شده و نیروی انسانی (کار) این شرکت، معلمان و کارمندان آن هستند،

سرمایه فیزیکی آن نیز ممکن است شامل تجهیزات اداری (مثلاً میز یا تخته و یا ابزارهای آموزشی دیگر) باشد و سرمایه

انسانی هم مهارت و دانش تدریس معلمان این شرکت خواهد بود.

منابع تولید در حالت کلی، امکاناتی است که شما برای ارائه محصول یا خدمت خود در اختیار دارید

فرض کنید که به عنوان یک خریدار میخواهید برای دیدن یک فیلم سینمایی، بلیت خریداری کنید

در ضمن برای منزل هم کمی خرید کنید. چه منبعی در اختیار دارید؟ پول

پول داخل جیبتان، مهمترین منبعی است که در اختیار دارید و باید آن را مدیریت کنید. این منبع هرچند یک منبع

تولیدی نیست، اما امکانی است که در اختیار شما قرار دارد.

منابعی که در اختیار ما قرار دارد، کمیاب است.

در تولید هر کالایی تولید کننده با در نظر گرفتن دو اصل اساسی زیر دست به تولید می زند:

اصل اول: منابعی که در اختیار دارد بی نهایت و بی پایان نیست بلکه برعکس، کاملاً محدود است.

اصل دوم: در آن واحد نمیتوان از یک چیز دو استفاده متفاوت کرد؛ یعنی هر چیزی دارای محدودیت در استفاده است

همه عوامل یا منابع تولید در اقتصاد کمیاب اند یعنی منابع خلق نمیشوند

هرچه منابع بیشتر ← تولید کالاها و خدمات بیشتر (اما با منابع معین و محدود)

در هر نقطه از زمان، هر شخص یا شرکت و یا هر کشوری **مقدار معینی** از نیروی کار، زمین قابل بهره برداری، سرمایه انسانی و فیزیکی دارد (عوامل تولید)

## قانون دوم: هزینه‌ی فرصت هر انتخاب را محاسبه کنید

محدودیت منابع، مفهوم هزینه فرصت را به همراه دارد.

هزینه‌ی فرصت یک انتخاب، ارزش بهترین گزینه‌ی بعدی است که شما آن را هنگام انتخاب از دست داده اید. مثال: یک کشاورز میخواهد در زمین خود گندم بکارد واز کشت جو صرف نظر میکند(با توجه به اینکه فقط میتوان یک نوع محصول کشت کرد)

(یعنی کشاورز اگر نمیخواست گندم بکارد گزینه بعدی و انتخاب او برای کاشت به جای گندم جو خواهد بود) حالا که او تصمیم گرفته است در زمینش گندم بکارد، در واقع از **منافع** کاشت جو صرف نظر کرده است

پس صرف نظر کردن از منافع کشت جو، می شود هزینه‌ی کاشت گندم

مثال ۲- سینما رفتن برای شما چه هزینه‌هایی دارد؟ ممکن است بگویید که هزینه آن پولی است که برای بلیت پرداخت می شود. اگر قیمت بلیت ده هزار تومان باشد، این فقط هزینه آشکار رفتن به سینماست. اما **هزینه پنهان** هم

دارد. هزینه سینما رفتن علاوه بر **پرداخت پول** (به عنوان منابع)، **زمانی** است که می توانستید برای کارهای دیگری صرف کنید مثلاً سینما نمی رفتیم و با **پول و زمان** خود کاری دیگر انجام میدادیم که ارزش آن کار برای ما کمتر از سینما رفتن نیست مثلاً به ترتیب (بسکتبال بازی، پارک رفتن با دوستان، استراحت در منزل و مطالعه) اولویت های ما بعد از انتخاب رفتن به سینماست **بهترین و با ارزش ترین** گزینه‌ی بعدی که با این انتخاب (یعنی سینما رفتن) از دست دادیم **هزینه فرصت** انتخاب ماست. (یعنی بازی بسکتبال را از دست دادیم)

مثال ۲- فرض کنید قرار است در یک اداره استخدام شوید در حالی که می توانید کسب و کار شخصی، مثل تدریس خصوصی، با درآمد ماهانه بیست میلیون تومان داشته باشید. اگر استخدام را انتخاب کنید، **هزینه فرصت این انتخاب** شما، **معادل بیست میلیون تومان در هر ماه** است که از دست داده اید

با توجه به مثالهای بالا چرا مجبوریم بین کاشت گندم و جو، بین سینما رفتن و بسکتبال بازی کردن و یا بین استخدام

شدن و کسب و کار شخصی داشتن، یکی را انتخاب کنیم. **جواب: چون منابع و امکانات کمیاب است**

به دلیل **وجود کمیابی در امکانات و داشته ها**، همیشه باید بین گزینه های انتخاب، **بده - بستان** کرد.

هر تصمیم گیری و انتخابی هزینه ای دارد که با هر تصمیم یک گزینه را انتخاب کرده و بقیه فرصت ها را از دست می‌دهیم.

بده - بستان = یعنی چیزی را رها می کنید تا چیز دیگری را به دست آورید

علاوه بر انتخاب های شخصی، دانش اقتصاد با انتخاب های اجتماعی نیز مواجه است

جامعه هم امکانات، منابع و داشته های کمیابی دارد و با انتخاب و بده - بستان روبه رو است

کشورها، مانند مردم، با کمیابی منابع روبه رو هستند. در نتیجه کمیابی منابع، هر جامعه را با مبادله مواجه می سازد

اگر منابع بیشتری برای تولید یک کالا و خدمات اختصاص داده شود، منابع کمتری برای تولید کالا و خدمات دیگر باقی می

ماند.

پس تصمیم برای داشتن کالا و خدمات بیشتر به معنای از دست دادن کالاها و خدمات دیگر است (هزینه فرصت)

مثال:

. برای ساختن دوچرخه بیشتر، کارخانه لاستیک بیشتری به منظور تولید چرخ، فلز بیشتری برای اسکلت دوچرخه و زمین بیشتری برای سالن های کارخانه لازم است. همچنین نیاز بیشتری به سرمایه برای ساختن ماشین آلات سازنده اسکلت و قطعات دوچرخه، نیروی کار برای سر هم کردن و فروش دوچرخه و نیروی کار برای راه اندازی شغل دوچرخه سازی خواهیم داشت. منابعی که در کارخانه دوچرخه سازی استفاده می شود، نیازمند استفاده از تولیدات چیزهای دیگر مثل رایانه ها و خودروها هم هستند

تصمیم برای داشتن دوچرخه بیشتر به معنای از دست دادن فرصت تولید کالاهای دیگر است.

با توجه به اطلاعات ارائه شده در جدول زیر نتیجه سود حسابداری یک بنگاه تولیدی با ۸ کارمند و تولید سالیانه ۷۰۰ دستگاه هر یک به ارزش ۹۵۰،۰۰۰ ریال کدام است؟ و در صورتی که تولیدکننده بر روی این کار سرمایه گذاری نمی کرد می توانست تجهیزات خود را به قیمت ۳۰۰،۰۰۰ ریال سالانه اجاره دهد سود ویژه کدام است؟

حقوق متوسط ماهیانه هر فرد معادل	۴،۰۰۰،۰۰۰ ریال
خرید مواد اولیه مورد نیاز سالیانه به ارزش	۷،۲۵۰،۰۰۰ ریال
هزینه استهلاک سالیانه معادل	۱۳ درصد درآمد سالانه
اجاره ماهیانه معادل	۹،۵۰۰،۰۰۰ ریال

هزینه مستقیم تولید - درآمد = سود حسابداری

(هزینه پنهان + هزینه آشکار) - درآمد = سود ویژه حسابداری

قیمت هر دستگاه X تعداد دستگاه تولید شده در سال = درآمد سالیانه

$$۶۶۵,۰۰۰,۰۰۰ = ۹۵۰,۰۰۰ \times ۷۰۰$$

$$۴,۰۰۰,۰۰۰ \times ۸ = ۳۲,۰۰۰,۰۰۰ \quad \text{حقوق ماهیانه هر کارگر} \times \text{تعداد کارگران} = \text{مجموع حقوق ماهیانه کارگران}$$

برای محاسبه هزینه های سالیانه ابتدا باید هزینه ماهیانه را به هزینه های سالیانه تبدیل کنیم

X مجموعه حقوق ماهیانه کارگران = مجموع حقوق سالیانه کارگران

$$۱۲ \times ۹۵۰,۰۰۰ = ۱۱۴,۰۰۰,۰۰۰ \quad \text{ماه} \times ۱۲ \text{ اجاره ماهیانه} = \text{اجاره سالیانه}$$

در این مرحله میتوانیم مجموع هزینه های سالیانه را محاسبه کنیم

هزینه استهلاک سالیانه + ارزش اولیه مورد نیاز سالیانه + حقوق کارگران سالیانه + اجاره سالیانه = مجموع هزینه های

سالیانه

$$۵۹۱,۰۰۰,۰۰۰ = (۶۶۶,۰۰۰,۰۰۰ \times ۱۳\%) + ۱۱۴,۰۰۰,۰۰۰ + ۳۸۴,۰۰۰,۰۰۰ + ۷,۲۵۰,۰۰۰ = \text{مجموع هزینه های سالیانه}$$

هزینه های سالیانه - درآمد سالیانه = سود یا زیان سالیانه

$$۶۶۶,۵۰۰,۰۰۰ - ۵۹۱,۷۰۰,۰۰۰ = ۷۳,۳۰۰,۰۰۰$$

عدد به دست آمده مثبت است پس تولید کننده سود کرده

برای به دست آوردن سود ویژه باید هزینه پنهان را از سود حسابداری کم کنیم یا از فرمول زیر استفاده میکنیم

(هزینه پنهان + هزینه آشکار) - درآمد = سود ویژه حسابداری

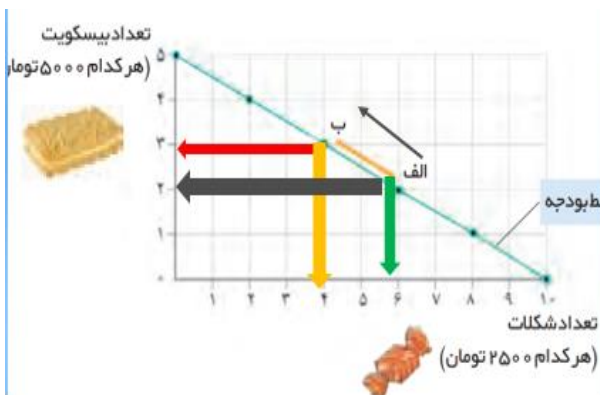
$$۶۶۵,۰۰۰,۰۰۰ - ۵۹۱,۷۰۰,۰۰۰ + ۳۰۰,۰۰۰ = ۷۳,۳۰۰,۰۰۰ = \text{سود ویژه حسابداری}$$

چون عدد بدست آمده مثبت است پس سود کردیم

**قانون سوم: قید بودجه خود را ترسیم کنید.**

**قید بودجه:** مقدار مشخص و محدود پول که یک فرد برای خرج کردن دارد.

به دلیل اینکه بودجه محدود است، افراد مجبورند بین گزینه های خود بده - بستان کنند.



در نقطه ی الف ۶ شکلات و ۲ بیسکویت میتوان داشت

در نقطه ب ۴ شکلات و ۳ بیسکویت میتوان داشت

اگر از نقطه ی الف به نقطه ی ب حرکت کنیم

از تعداد شکلاتها کم و به تعداد بیسکویتها اضافه می شود

یعنی از ۶ شکلات به ۴ شکلات کاهش یافته و از ۲ بیسکویت به

۳ بیسکویت افزایش می یابد و برعکس

با انتخاب هر نقطه روی خط بودجه کل آن بودجه خرج می شود.

با حرکت بر روی خط بودجه از مقدار یک محصول کم و به مقدار محصول دیگر اضافه می شود.

## قانون چهارم: هزینه های هدر رفته را فراموش کنید

هزینه هایی که پرداخت شده و دیگر قابل برگشت نیستند و مهم نیستند.

مفهوم هزینه های هدر رفته را می توانید پولی تصور کنید که به یک چاه عمیق افتاده و دیگر قابل دسترس نیست

فرض کنید برای تماشای تئاتری یک بلیط ۱۰,۰۰۰ تومانی هزینه کرده اید. در دقایق ابتدایی متوجه می شوید که نمایش را دوست ندارید و از سالن تئاتر خارج می شوید اگر برنامه را ترک کنید می توانید بلیت فیلم تهیه کنید و وقت باقی مانده را به تماشای فیلم بگذرانید. است. (پس پولی که برای تماشای تئاتر دادید دیگر بر نمی گردد آن ده هزار تومان رفته و تمام شده است، چه شما به سینما بروید و چه نروید)

هزینه هایی که پرداخت شده است و شما نمیتوانید آن را باز گردانید «هزینه هدر رفته» نام دارد؛ این هزینه ها نباید تأثیری در انتخاب و تصمیم شما داشته باشد

تنها هزینه ای که بر تصمیم گیریتان مؤثر است چیست؟

هزینه هایی است که در زمان تصمیم گیری شما به وجود می آیند.

برای اینکه یک تصمیم خوب بگیرید چه باید کرد؟

تشخیص تفاوت هزینه هایی که بر تصمیم شما تأثیر گذارند، بسیار مهم اند

## قانون پنجم: بین هزینه ها و منافع خود مقایسه کنید

برای اینکه تصمیم گیری منطقی باشد باید:

۱- تمام منافع را با تمام هزینه ها مقایسه کنیم

در نهایت

بعد از تصمیم گیری منطقی **گزینه ای که انتخاب می شود، منافی بیشتر از هزینه ها خواهد داشت.** (مثلا هنگامی که میخواهید بین یک کسب و کار شخصی یا شرکتی یکی را انتخاب کنید گزینه ای انتخاب خواهد شد که بیشترین منفعت را داشته باشد) مقایسه منافع و هزینه ها بخشی از تصمیم گیری منطقی است. اما **بهترین رویکرد به نوع تصمیم شما بستگی دارد.** توجه به چند نکته:

\* همیشه مقایسه بین هزینه ها و منافع (که از مهمترین مراحل راه اندازی یا استمرار یک کسب و کار است.) بر اساس

اطلاعاتی که از آنها داریم، انجام می گیرد

دو نوع گسترده از انواع تصمیمات وجود دارد:

۱- اولین دسته به **یک انتخاب از میان گزینه های مختلف** می پردازد (مطالعه کنیم یا به گردش برویم)

۲- دسته ی دیگر به **انتخاب چه مقدار** از هر چیز اشاره می کند (میزان مطالعه یا مدت زمان گردش)

نتیجه: شرکت ها هم همانند افراد مجبور هستند تا درباره چیزهایی مثل اینکه **چقدر تولید کنند یا چه تعداد نیروی کار**

استخدام کنند، تصمیم گیری کنند.

در بر آورد و مقایسه میان هزینه ها و منافع، اینکه چه چیزی را هزینه و چه چیزی را منفعت به حساب بیاوریم وابسته به **موقعیتها و ارزش های فرهنگی و اجتماعی** ما است؛ مثلاممکن است آلودگیهای زیست محیطی یک کارخانه تولید مواد شیمیایی، برای صاحب آن کارخانه به عنوان هزینه محسوب نشود، اما برای ساکنان آن منطقه هزینه محسوب میشود

## چرا برخی مردم تصمیمات غیر منطقی می گیرند؟

چون گرفتار امیال و هوس های خود شده اند و دیگری به هزینه فایده توجهی نمی کند. ( البته نظرشان درباره هزینه و منفعت تغییر نکرده است. ولی تصمیم گیری آنها بر اساس میل و هوس بوده است.)

پنج اشتباه رایج در تصمیم گیری:

### ۱) اثرگذاری حقه های فروش بر تصمیم گیری ها :

وقتی فقط به دلیل اینکه حراج یا تخفیف اعلام شده خرید میکنیم ( وقتی که جنس 160 هزار تومانی که 50 درصد تخفیف دارد را صرفاً به خاطر تخفیف آن، بر جنس 80 هزار تومانی ترجیح دهیم)

### ۲) توجه به هزینه های هدر رفته:

وقتی غذایی را که سفارش داده شده دوست ندارید؛ اما به خاطر پولی که داده ایم مجبوریم بخوریم

۳) **بی صبری زیاد**: برای تأمین هزینه های مصرف فعلی خود زیر بار قرض میروید یا به جای صبر در تحصیل و یادگیری و بهره مندی از منافع آن در آینده، سراغ کارهای کم ارزشی میروید که منافع آنی وزود گذر دارد و منافع پایداری نیست.

### ۴) اعتماد به نفس بیش از حد یا خودرأی بودن:

خوشبینی زیاد درباره درآمد آینده داریم و فکر میکنیم این درآمد همیشگی است و در نتیجه پس انداز کمتر برای نیازهای آینده خود میکنیم

### ۵) چسبیدن به وضعیت فعلی :

هنگامی که با چسبیدن به وضعیت فعلی و پرهیز از بررسی گزینه های جدید با رویکرد منطقی هزینه - فایده تصمیم میگیریم. مثلاً راننده ی آژانس می تواند با اسنپ کار کند ولی از این امر غافل شده و نمیخواهد تغییر وضعیت دهد

## فعالیت صفحه ۲۹

فعالیت فردی در کلاس کدام خودرو؟

فرض کنید پدرتان می خواهد از بین سه خودرو جدول زیر یکی را برای خرید انتخاب کند. ستون دوم به منافع داشتن آن خودرو است که میتواند معیارهای واقعی مثل نیاز، کیفیت، کارکردها، هویت، زیبایی و... باشد که به صورت عددی درآمده و مقداری است که خرید آن برای شما می ارزد و ستون سوم قیمت آن در بازار است. به نظر شما کدامیک ارزش خرید بالاتری دارد؟

برای انتخاب باید هزینه - فایده را در نظر بگیریم و گزینه ای را انتخاب می کنیم که منافع اش بیشتر از هزینه باشد.

منفعت خالص = هزینه - منافع

خودرو شماره یک: ۱۰۰ منافع و ۱۲۰ تا هزینه است، اختلاف منافع و هزینه برابر شده با ۲۰ - یعنی ضرر ۱۰۰ - ۱۲۰ = -۲۰

خودرو شماره دو: ۷۰ منافع و ۶۰ هزینه است اختلاف منافع و هزینه برابر شده با ۱۰ + یعنی سود ۷۰ - ۶۰ = +۱۰

$60 - 55 = +5$

خودرو شماره سه: ۶۰ میلیون منافع و ۵۵ میلیون هزینه دارد تفاوت ۵ میلیون سود است.

انتخاب باید بر اساس مقایسه هزینه - فایده صورت بگیرد پس خودرو شماره ۲ انتخاب می شود. چراکه بالاترین منافع را دارد

## فعالیت فردی در کلاس صفحه ۳۱

چند لاستیک؟

اکنون فرض کنید که می خواهید خودرویتان را بفروشید. لاستیک های آن فرسوده اند اما میزان فرسودگی شان با هم یکسان نیستند. تعویض هر کدام هم اثر متفاوتی بر درآمد فروش خودرو خواهد داشت. بر اساس جدول زیر فکر کنید و بگویید که چند لاستیک را باید قبل از فروش خودرو تعویض کنید؟

### اختلاف منافع و هزینه را بدست می آوریم

منفعت خالص	هزینه	منفعت	لاستیک تعویض شده
به هزار تومان	به هزار تومان	به هزار تومان	
۱۰۰	۱۰۰	۲۰۰	لاستیک در بدترین شرایط
۵۰	۱۰۰	۱۵۰	لاستیک در شرایط بد
-۱۰	۱۰۰	۹۰	لاستیک در شرایط خوب
-۹۰	۱۰۰	۱۰	لاستیک در بهترین شرایط

لاستیک شماره یک:  $200 - 100 = 100$  منافع ۱۰۰ هزار تومان بیشتر است.

لاستیک شماره دو:  $150 - 100 = 50$  پس منافع ۵۰ هزار تومان بیشتر است.

لاستیک شماره سه:  $90 - 100 = -10$  پس ۱۰ هزار تومان هزینه بیشتر از منافع است.

لاستیک شماره چهار:  $10 - 100 = -90$  پس هزینه ۹۰ هزار تومان بیشتر است.

انتخاب بر اساس هزینه فایده است بنابراین انتخاب لاستیک های شماره (۱ و ۲) می باشد.

برای تفکر و تمرین ص ۳۲

۱- هر کدام از گزاره های زیر را در یکی از منابع کمیاب (منابع طبیعی، نیروی کار، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی) طبقه بندی کنید



منابع کمیاب	گزاره
منابع طبیعی	باغچه خانه که در آن سبزی کاشته اید.
سرمایه فیزیکی	ابزار آلات باغبانی که از آنها استفاده می کنید.
نیروی کار	باغبانی که برای هرس کردن درختان باغچه استخدام می کنید
سرمایه انسانی	علم و دانشی که در مدرسه کسب می کنید.
منابع طبیعی	کود طبیعی و آبی که برای باغچه استفاده می کنید.
سرمایه انسانی	مهارتی که برای فروش بخشی از سبزیجات باغچه به همسایگان به کار می گیرید.

فعالیت صفحه ۳۴

– هزینه فرصت هر کدام از فعالیت های زیر چیست؟

تعمیر رایانه شخصی

رفتن به مهمانی از دست می رود-زمانی که صرف یادگیری و آموزش میشود از دست رفته -زمان استراحتی که از دست می دهیم-زمان تفریحی که از دست می دهیم .

تماشای فیلم امشب تلویزیون

میزان مطالعه ای که از دست داده ایم- که از دست داده اید

زودتر به رخت خواب رفتن

درس نخواندن-تماشای فیلمی که از دست داده ایم و...

بازی والیبال در مدرسه

ساعت درسی و رفع اشکالی که از دست دادیم -زمان مطالعه ای که از دست دادیم- و...

شغل پاره وقت بعد از زمان مدرسه

مطالعه ای که از دست می دهیم-استراحتی که از دست می دهیم و

رفتن به دانشگاه بعد از دبیرستان

فرصت کارکردن در یک بنگاه یا شرکت را از دست می دهیم

اشتغال بدون ادامه تحصیل: **تحصیلات عالیہ را از دست دادیم**

۳- تصمیمات زیر را تحلیل کنید

این لباس را به قیمت خیلی خوبی خریدم؛ زیرا در حراجی بود

**اثرگذاری حقه های فروش بر تصمیم گیری ها**

من «برند معمولی خریدم»؛ زیرا ارزان تر از «برند معروف» بود

**اثرگذاری حقه های فروش بر تصمیم گیری ها**

من واقعا آن تئاتر را دوست نداشتم، اما ترجیح دادم بمانم؛ زیرا پول زیادی برای آن داده بودم.

**توجه به هزینه های در رفته .**

من غواصی را دوست دارم و بسیاری از دوستانم هم آن را دوست دارند. مطمئنم که میتوانم مغازه وسایل غواصی

باز کنم و پول در بیاورم. فکرمی کنم بهتر است مدرسه را ترک کنم و یک مغازه وسایل غواصی راه بیندازم.

**اعتماد به نفس بیش از حد یا خودرأی بودن**

تا حالا فهرست وظایف برای خودم ننوشته ام، چون فکر می کنم به وقت زیادی نیاز دارد

**چسبیدن به وضعیت فعلی**

۴- در درس اول، میزان سود (یا زیان) کارگاه آقای محمدی را محاسبه کردیم. اکنون در نظر

بگیرید که آقای محمدی میتواند به جای تولید در کارگاه، آن را به مبلغ ماهیانه چهار میلیون

تومان اجاره دهد. با توجه به اطلاعات زیر، مجدداً سود یا زیان سالانه کارگاه را محاسبه کنید نتیجه را در کلاس به بحث

بگذارید

خرید مواد اولیه برای تولید ماهیانه ۱۰۰ میلیون تومان

پول آب، برق، گاز، عوارض شهرداری ۸۰۰ میلیون تومان

دستمزد ماهانه هر کارگر: ۲ میلیون تومان (مجموعاً ۲۰ کارگر)

درآمد سالانه: ۲/۵ میلیارد تومان

هزینه ها- درآمد= سود یا زیان

**دقت داشته باشید در صورت سوال سود یا زیان را سالانه خواسته**

$$= ۱,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۲ \times ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = \text{هزینه های خرید مواد اولیه سالانه}$$

$$= ۴۸۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۲۰ \times ۱۲ \times ۲,۰۰۰,۰۰۰ = \text{حقوق سالانه ۲۰ کارگر}$$

دستمزد سالانه ۲۰ کارگر + آب و برق و عوارض شهرداری + خرید سالیانه مواد اولیه = هزینه های آشکار سالیانه

$$= ۲,۴۸۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۴۸۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۱,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = \text{هزینه های آشکار سالیانه}$$

$$= ۴۸۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۱۲ \times ۴۰,۰۰۰,۰۰۰ = \text{هزینه های پنهان}$$

$$= \text{سود یا زیان اقتصادی} = \text{(هزینه های پنهان + هزینه های آشکار) - درآمد}$$

چون عدد بدست آمده منفی شده پس با زیان  $-۲۸,۰۰۰,۰۰۰ = (۲,۴۸۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۴۸,۰۰۰,۰۰۰) - ۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ =$  سوداقتصادی روبرو شده است.

## تحلیل کنید

هزینه فرصت چیست و چرا معمولاً از دید ما پنهان است و آن را به حساب نمی آوریم؟

هزینه فرصت یک انتخاب، ارزش بهترین گزینه بعدی است که شما آن را هنگام انتخاب از دست داده اید. چون امری ذهنی است که تمامی انسان‌های فعال در زندگی اجتماعی هر روز بارها و بارها بدون اینکه متوجه باشند، به طور طبیعی برای تصمیم‌گیری از آن استفاده می‌کنند و قابل مشاهده و اندازه‌گیری نیست.

به حساب آوردن هزینه فرصت چه تأثیری در انتخاب ما خواهد گذاشت؟

باعث می‌شود که با مقایسه‌ی منافع و هزینه‌ها در تصمیم‌گیری بهتر عمل کنیم و انتخاب‌های خوبی داشته باشیم و از منابع و امکانات خود بیشترین استفاده را بکنیم

چگونه می‌توانیم بین منافع و هزینه‌های خود، مقایسه درستی انجام دهیم؟

ببررسی منافع و هزینه‌های انتخاب‌های مد نظر خود، آن گزینه‌ای را انتخاب کنیم که منافع بیشتری نسبت به سایر انتخاب‌ها داشته باشد.